

## پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس شیوه های فرزندپروری ادراک شده و سبک های هویت

مینا امینی نژاد<sup>۱\*</sup>، مهدی شاه نظری<sup>۲</sup>

(۱) دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی پردیس علوم و تحقیقات تهران - شهرقدس

(۲) استادیار روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی گروه روانشناسی

\*نویسنده مسول: [amini.mina1991@gmail.com](mailto:amini.mina1991@gmail.com)

تاریخ دریافت مقاله ۹۵/۰۲/۱۱ تاریخ آغاز بررسی مقاله ۹۵/۰۲/۲۶ تاریخ پذیرش مقاله ۹۵/۰۴/۰۴

### چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس شیوه های فرزندپروری ادراک شده و سبک های هویت در میان کارگران کارخانه ذوب آهن اصفهان می باشد. جامعه پژوهش حاضر تمامی کارگران مرد کارخانه ذوب آهن اصفهان می باشد و حجم نمونه این پژوهش بر اساس جدول کرسجی و مورگان ۲۴۰ نفر تعیین شد که این تعداد از نمونه به شیوه ی تصادفی ساده انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه های رضایت زناشویی انریچ، سبک های فرزندپروری ادراک شده شیفر و سبک های هویت برزونسکی استفاده شد. یافته ها نشان داد که رضایت زناشویی با سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه رابطه مثبت و معناداری دارد اما با سبک فرزندپروری استبدادی و بی توجه رابطه منفی و معنادار دارد. همچنین یافته ها نشان داد که رضایت زناشویی با سبک هویت هنجاری، سبک هویت اطلاعاتی و تعهد رابطه مثبت و معنادار و با سبک هویت سردرگم رابطه منفی و معنادار داشت. **کلید واژگان:** رضایت زناشویی، شیوه های فرزندپروری، فرزندپروری ادراک شده، سبک های هویت.

### مقدمه

ازعابدی، مسیبی و عریضی، (۱۳۹۱). رضایت زناشویی یک ارزیابی کلی از کیفیت رابطه زناشویی و یا رابطه احساسی کنونی فرد است. این احساس می تواند انعکاسی از میزان شادی افراد از روابط زناشویی باشد (احمدی، نبی پور، کیمیایی و افضل، ۲۰۱۰).

در حقیقت رضامندی زناشویی به عنوان روابط بین فردی نزدیک به انسان ها اجازه می دهد پذیرفته شوند (فلچر، ۲۰۰۲). از این رو در سال های اخیر، حرکت برای تقویت زندگی زناشویی به برنامه های قبل از ازدواج نیز کشیده شده است (کترلا، دیر و استلزر، ۲۰۱۰). پس از ازدواج یک دوره جنگ در روابط و یا حتی دوره ای از خستگی برای زوجین وجود دارد. در واقع پس از ازدواج افراد می خواهند بین خود و شریک زندگی خود رضایت و تعهد

خانواده یکی از رکن های اصلی جامعه به شمار می رود. دستیابی به جامعه سالم آشکارا در گرو سلامت خانواده است (گلدنبرگ و گلدنبرگ به نقل از حسین شاهپیراوتی، نقشبندی و ارجمند، ۱۳۸۳، ص ۵۶). سنگ بنای خانواده، ازدواج است. ازدواج نیازمند همکاری، همدلی، وحدت، علاقه، مهربانی، بردباری و مسئولیت پذیری است (فیشر و مکنالتی، ۲۰۰۸). آنچه در زندگی زناشویی اهمیت فراوان دارد احساس رضایت و خشنودی زوجین می باشد که در متون روان شناسی با اصطلاح «رضایت زناشویی»<sup>۳</sup> معرفی شده است (وینچ<sup>۴</sup> به نقل

<sup>4</sup> Winch

<sup>5</sup> Fletcher

<sup>6</sup> Koterla & Dyer & Stelzer

<sup>1</sup> Goldenberg

<sup>2</sup> Fisher & macnulty

<sup>3</sup> Marital satisfaction

بودن والدین است (بابیاز<sup>۹</sup>، ۲۰۰۹). والدین دارای سبک فرزندپروری مستبدانه<sup>۱۰</sup> توقعاتی از فرزندشان دارند، ولی برای پیروی کردن آن، چنان ارزش زیادی قائل هستند که فرزندانشان دوست ندارند پیروی کنند (چوا<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۰). والدین سهل‌گیر، سعی می‌کنند یک محیط غیراجباری، باگذشت و صحیح به وجود آورند. آن‌ها به نیازهای کودک بدون آن که او را تحت فشار قرار دهند، زیاد توجه می‌کنند (وندرزندن به نقل از گنجی<sup>۱۲</sup>، ۱۳۸۸، ص ۱۵۴).

مکوی و مارتین<sup>۱۳</sup> سبک تربیتی دیگری را نیز آشکار کرده اند: سبک فرزندپروری بی‌اعتنا<sup>۱۴</sup>. (وندرزندن، ۱۳۸۸، ص ۱۵۵). در شیوه تربیتی بی‌اعتنا والدین چه از لحاظ توقعات و چه پاسخدهی در سطح پایینی هستند. این والدین هیچ درخواستی از فرزندان خود ندارند. آنچه آن‌ها را از والدین سهل‌گیر متمایز می‌کند این است که کم‌تر به فرزند خود رسیدگی می‌کنند (گلدستین<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۰).

طبق نتایج شالستین و بلاستین<sup>۱۶</sup> (۱۹۹۴) خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد در شکل‌گیری هویت فرزندان است. اریکسون<sup>۱۶</sup> یکی از شروط رابطه نزدیک بین دو نفر (به خصوص در رابطه زندگی زناشویی) را در ابتدا شکل‌گیری هویت طرفین دانسته (به نقل از دانشورپور و غنایی و شکری و زین‌آبادی، ۱۳۸۶). مطابق نظریه وی، هویت به مثابه یک چارچوب مرجع عمل می‌کند که فرد به منظور تفسیر تجارب شخصی و گفت و گو درباره معنا، هدف و جهت‌گیری زندگی خود از آن استفاده می‌کند (شکری، تاجیک اسماعیلی، دانشورپور و

ایجاد کنند. با توجه به پتانسیل برای روابط نزدیک اساساً تغییر خودپنداره اتفاق می‌افتد (کوین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴). یک نظرسنجی بر روی بیش از ۵۰۰ بزرگسال در جامعه غربی در رابطه با عشق پرشوری که در ابتدا داشتند صورت گرفت. نتایج حاصل نشان داد رضایت از زندگی کاهش یافته است. آنها تجارب خود را گزارش کردند که در طولانی مدت روابط به سطوح پایین‌تری می‌انجامد (ویرژیل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴).

تجارب خانوادگی تاثیر عمده‌ای بر تکامل فرد در طول زندگی و بعد از آن دارد و ارتباطات خانوادگی سایر جنبه‌های زندگی را نیز تحت تاثیر خود قرار می‌دهد (بایرن، کر و کلارک<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴). در واقع تجارب خانوادگی در کودکی و نوجوانی به درستی گویای مفهوم سبک‌های فرزندپروری می‌باشد.

عبارت سبک‌های فرزندپروری<sup>۴</sup>، به رفتارهای معینی از والدین اشاره دارد که به طور منفرد و در ارتباط با یکدیگر بر پیامدهای تحولی کودک اثر می‌گذارند و دربرگیرنده میزان پاسخگو بودن و مطالبه‌گر بودن والدین است (بروکه<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵) و درحقیقت احساس، ادراک و ارزیابی که فرزندان از سبک‌های تربیتی رفتار والدین خود دارند، فرزندپروری ادراک شده نامیده می‌شود (گلاسگو، برن بوش، تروریر، استنبرگ و ریتز<sup>۶</sup>، ۱۹۹۷). بامریند در تقسیم‌بندی سبک‌های فرزندپروری از سبک‌های فرزندپروری مستبد، مقتدر و سهل‌گیر نام برد (بیرامی و خسروشاهی، ۱۳۸۹). والدین با سبک فرزندپروری مقتدارانه<sup>۷</sup> از کودکانشان با محبت و روابط نزدیک مراقبت می‌کنند و انتظاراتشان از فرزندشان با توانایی آن‌ها تناسب دارد (اندر و گولای<sup>۸</sup>، ۲۰۰۹). این سبک نشان‌دهنده ویژگی‌های کنترل، مطالبه‌گری، گرمی، عقلانیت و پذیرا

<sup>9</sup>Babiarz

<sup>10</sup> Authoritarian child-rearing style

<sup>11</sup>Chua

<sup>12</sup>Mkvby&Martin

<sup>13</sup>Uninvolved child-rearing style

<sup>14</sup>Goldstein

<sup>15</sup>Schultheiss&Blustein

<sup>16</sup> Erikson

<sup>1</sup>Kevin

<sup>2</sup>Virgil

<sup>3</sup>Byren&Carr& Clark

<sup>4</sup>parenting style

<sup>5</sup>Bruke

<sup>6</sup>Glasgow&Darnbusch&Troyer&Steinberg & Ritter

<sup>7</sup> Authoritative child-rearing style

<sup>8</sup>Onder&Gulay

این سبک هویت به عنوان رشدنایافته ترین سبک هویت است (برزونسکی و آدامز به نقل از کهولت و جوکار، ۱۳۸۹). افراد با سبک هویت اطلاعاتی دارای خانواده های با سبک فرزندپروری اقتدار منطقی بزرگ شده اند و افرادی که بیش تر از سبک هویت هنجاری استفاده می کنند در خانواده های با سبک فرزندپروری استبدادی رشد می کنند (آقاجانی و فرزاد و شهرآرای، ۱۳۸۷).

بنابراین با توجه به مطالب مذکور هدف پژوهش حاضر پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس شیوه های فرزندپروری ادراک شده و سبک های هویت می باشد، در واقع این پژوهش از طرفی به منظور بررسی میزان رابطه شیوه های فرزندپروری ادراک شده زوجین با رضایت زناشویی آنان انجام شده است، به سخن دیگر این تحقیق به دنبال این مساله است که چگونگی ادراک زوجین از شیوه ی فرزندپروری والدینشان تا چه اندازه بر رضایت زناشویی فعلی آنان تاثیر گذاشته است. و از طرفی دیگر به دنبال پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک های هویت می باشد به عبارت دیگر بررسی میزان رابطه سبک های هویت زوجین با رضایت زناشویی آنان. در ادامه فرضیه های مرتبط با این هدف بیان می شود:

۱. شیوه های فرزندپروری ادراک شده توانایی پیش بینی رضایت زناشویی را دارند.
۲. سبک های هویت اطلاعاتی توانایی پیش بینی رضایت زناشویی را دارند.

#### روش شناسی

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

دستجردی، ۱۳۸۶). و سبک هویت<sup>۱</sup> در واقع چارچوب شخصی ای است که به منزله و منبعی برای تفسیر تجارب مورد استفاده قرار می گیرد (برزونسکی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴).

مارسیا<sup>۳</sup> با توجه به دو بعد تعهد و جستجوگری وبا کنار هم قرار دادن آن ها چهار حالت هویت مستقل را بیان کرد (که شامل: ۱) دستیابی به هویت<sup>۴</sup>؛ ۲) هویت یابی ناقص<sup>۵</sup>؛ ۳) تعلیق هویت یابی<sup>۶</sup>؛ ۴) پراکندگی هویت<sup>۷</sup> (اتکینسون<sup>۸</sup> به نقل از براهنی، بیرشک، بیک، زمانی، شاملوو همکاران، ۱۳۸۸).

در راستای تعاریف متفاوت از هویت، برزونسکی<sup>۹</sup> سه سبک هویتی را مطرح کرد: سبک اطلاعاتی<sup>۱۰</sup>، سبک هنجاری<sup>۱۱</sup> و سبک گسیخته-اجتنابی<sup>۱۲</sup> (سانز<sup>۱۳</sup> و همکاران به نقل از کهولت و جوکار، ۱۳۸۹). افراد دارای سبک اطلاعاتی به صورت فعال، اطلاعات مربوط با خود را جست و جو، پردازش و مورد ارزیابی قرار می دهند (برزونسکی، سیسیوش، دوریس و سونس<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۱). به همین علت شاید بتوان گفت این سبک هویت، سبک هویت برتری نسبت به بقیه می باشد (شوارتز و مولیس و واترمن و دان هام<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۰). افراد با سبک هنجاری کم تر به جست و جوی اطلاعات می پردازند و چون تغییر کردن برای آن ها سخت است، خود را در غالب اسنادهای جمعی از قبیل مذهب، خانواده و ملت تعریف می کنند (برزونسکی و ماسک و نورمی<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۳). افراد دارای سبک سردرگم-اجتنابی از مواجه شدن با مشکلات و تعارضات شخصی اجتناب می کنند و هم چنین نسبت به آینده خود بی تفاوت هستند، بنابراین از روی هیجان و بدون تفکر تصمیم می گیرند و یا تصمیمات خود را دائما به تعویق می اندازند (برزونسکی و فراری<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۹). به همین دلیل

<sup>10</sup>informational style

<sup>11</sup>Normative style

<sup>12</sup>Avoidant-disoriented style

<sup>13</sup>Sanenz

<sup>14</sup>Berzonsky&Cieciuch&Duriez, &Soenens

<sup>15</sup>Schwartz&Mullis&Waterman&Dunham

<sup>16</sup>Berzonsky&Macek&Nurmi

<sup>17</sup>Berzonsky&Ferrari

<sup>1</sup>Identity style

<sup>2</sup>Berzonsky

<sup>3</sup>Marcia

<sup>4</sup>Identity achievement

<sup>5</sup>Identity foreclosure

<sup>6</sup>Identity moratorium

<sup>7</sup>Identity diffusion

<sup>8</sup>Atkinson

<sup>9</sup>Berzonsky

و بی کفایت). ۴. والدین سرد و کنترل کننده (مستبد). حسینی، احمدیان و روانبخش در پژوهش خود در سال ۱۳۸۳ پایایی این پرسشنامه را از طریق آلفای کرانباخ برای بعد کنترل ۰/۷۸ و برای بعد محبت ۰/۹۴ و برای کل آزمون ۰/۸۹ به دست آوردند. هم چنین یعقوبخانی غیاثوندی (۱۳۷۲) نیز پایایی این پرسشنامه را در پژوهش خود با روش تنصیف و آلفای کرانباخ ۰/۹۲ و ۰/۸۲ به دست آورد.

#### پرسشنامه سبک های هویت برزونسکی

پرسشنامه سبک های هویت اولین بار توسط برزونسکی (۱۹۸۹) برای اندازه گیری فرآیندهای شناختی-اجتماعی که نوجوانان در برخورد با مسائل مربوط به هویت از آن استفاده می کنند، طراحی شد (شکری و همکاران، ۱۳۸۶). این پرسشنامه سه سبک هویتی شامل اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی را مورد ارزیابی قرار می دهد و شامل ۴۰ سوال است. شکری و همکاران (۱۳۸۶) ضرایب آلفای کرانباخ برای سبک های هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم/اجتنابی و تعهد هویت را در پژوهش خود به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۵۳، ۰/۶۵ و ۰/۷۲ به دست آوردند. هم چنین برزونسکی (۱۹۹۷) ضریب اعتبار هر یک از خرده مقیاس های سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی را به ترتیب ۰/۶۲، ۰/۶۶ و ۰/۷۳ گزارش کرده است.

#### یافته ها

برای برآورد پایایی پرسشنامه های مورد استفاده از روش همسانی درونی (آلفای کرانباخ) استفاده شد: ضریب آلفای کرانباخ برای سبک های فرزندپروری مقتدارانه، مستبدانه، سهل گیر و بی توجه به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۸، ۰/۸۳ و ۰/۸۵، برای رضایت زناشویی ۰/۸۶ و برای سبک های هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم اجتنابی و تعهد به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۷۹، ۰/۸۱ و ۰/۸۳ به دست آمد. با توجه به نتایج حاصل از محاسبه ی پایایی پرسشنامه ها با استفاده

جامعه آماری این پژوهش شامل تمام کارگران مرد کارخانه ذوب آهن اصفهان در سال ۱۳۹۳ می باشد. حجم نمونه این پژوهش بر اساس جدول کرسجی و مورگان ۲۴۰ نفر تعیین شد که این تعداد از نمونه به شیوه ی تصادفی ساده از طریق جدول اسامی کارگران انتخاب شدند. در این تحقیق پس از انتخاب افراد نمونه و مراجعه به ذوب آهن اصفهان، به ۲۴۰ نفر از افراد گروه نمونه که شامل ۲۴۰ نفر مرد و شاغل در آن جا بودند پرسشنامه های رضایت زناشویی اینریچ، سبک های فرزندپروری شیفر و سبک های هویت برزونسکی به اضافه فرم اطلاعات فردی تحویل و در مورد چگونگی تکمیل پرسشنامه ها توضیح داده شد. پس از تکمیل مدت ۱ هفته بعد محقق مجدداً مراجعه و پرسشنامه ها را جمع آوری نمود.

#### ابزار پژوهش

##### پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ:

این پرسشنامه توسط اولسون<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) در آمریکا طراحی شده است فرم کوتاه آن یک پرسشنامه ۴۷ سوالی است که ۱۲ خرده مقیاس دارد. همسانی درونی این پرسشنامه از ۰/۷۳ تا ۰/۹۰ تخمین زده شده است (اولسون و اولسون، ۲۰۰۰). همچنین متولی و همکاران (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود ضریب پایایی پرسشنامه را ۰/۸۳ بدست آوردند.

##### پرسشنامه شیوه های فرزندپروری ادراک شده شیفر:

پرسشنامه شیوه های فرزندپروری والدین که توسط نقاشیان در سال ۱۳۵۸ بر مبنای کار شیفر (۱۹۶۵) در شیراز تدوین شده بود استفاده شد. این پرسشنامه دو بعد محبت (سردی و گرمی) و کنترل (کنترل - آزادی) تدوین شده و شامل ۷۷ گزینه مثبت و منفی میباشد. والدین با ترکیب دو بعد فوق الذکر به چهار دسته تقسیم می شوند: ۱. والدین گرم و آزادگذارنده (سهل گیر) ۲. والدین گرم و کنترل کننده (مقتدر). ۳. والدین سرد و آزادگذارنده (مسامحه کار

<sup>۱</sup>Olson

دارای میزان درآمد یک تا یک و نیم میلیون تومان، ۱۲۶ نفر (معادل ۵۲/۵ درصد) دارای میزان درآمد یک و نیم تا دو میلیون تومان و ۴۲ نفر (معادل ۱۷/۵ درصد) دارای میزان درآمد بالاتر از دو میلیون تومان بودند. یافته‌های توصیفی پژوهش شامل میانگین و انحراف معیار متغیرهای سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم-اجتنابی و تعهد) و رضایت زناشویی در جدول ۱ ارائه شده است. برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از روش تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه متوالی همزمان استفاده شد.

از روش آلفای کرانباخ می‌توان گفت که پرسشنامه‌های مورد استفاده برای پژوهش حاضر دارای پایایی مناسب می‌باشد.

در پژوهش حاضر فراوانی و درصد فراوانی سطح تحصیلات گروه نمونه به این صورت می‌باشد: ۱۸ نفر (معادل ۷/۵ درصد) دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۱۱۴ نفر (معادل ۴۷/۵ درصد) دارای تحصیلات دیپلم، ۳۰ نفر (معادل ۱۲/۵ درصد) دارای تحصیلات فوق دیپلم و ۷۸ نفر (معادل ۳۲/۵ درصد) دارای مدرک تحصیلی لیسانس بودند. همچنین فراوانی و درصد فراوانی میزان درآمد گروه نمونه به شرح زیر است: ۷۲ نفر (معادل ۳۰ درصد)

جدول ۱. یافته‌های توصیفی سبک‌های فرزند پروری، هویت و رضایت زناشویی

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار
سبک فرزندپروری مقتدرانه	۱۴۱/۵۵	۱۳/۸۶
سبک فرزندپروری مستبدانه	۱۴۷/۰۳	۱۸/۲۸
سبک فرزندپروری سهل‌گیر	۸۱/۸۶	۱۵/۵۷
سبک فرزندپروری بی‌توجه	۸۴/۴۹	۸/۱۳
سبک هویتی هنجاری	۳۴/۵۳	۶/۵۵
سبک هویتی اطلاعاتی	۴۲/۲۵	۷/۹۵
سبک هویتی سردرگم	۳۱/۱۳	۶/۶۵
سبک هویتی متعهدانه	۳۵/۲۴	۶/۰۴
رضایت زناشویی	۱۶۶/۵۲	۲۶/۷۴

جدول ۲. جدول خلاصه تحلیل واریانس مدل رگرسیون نمرات رضایت زناشویی روی سبک‌های فرزندپروری

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین
رگرسیون	۲۲۰۰۷/۸۵	۴	۵۵۰۱/۹۶	۱۰/۰۳	۰/۰۰۰۱	۰/۵۱	۰/۲۶
مانده	۶۳۰۹۰/۱۱	۱۱۵	۵۴۸/۶۱				
کل	۸۵۰۹۷/۹۶	۱۱۹					

جدول ۳. جدول خلاصه تحلیل واریانس مدل رگرسیون نمرات رضایت زناشویی روی سبک‌های هویت

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین
رگرسیون	۲۹۵۴۲/۹۷	۴	۷۳۸۵/۷۴	۱۵/۲۹	۰/۰۰۰۱	۰/۵۹	۰/۳۴
مانده	۵۵۵۵۴/۹۹	۱۱۵	۴۸۳/۰۸				
کل	۸۵۰۹۷/۹۶	۱۱۹					

جدول ۴. ضرایب رگرسیون نمرات رضایت زناشویی روی سبک های فرزندپروری سبک های هویت

متغیر پیش‌بین	ضریب استاندارد (B)	غیر خطای استاندارد	ضریب (β)	استاندارد مقدار	سطح معنی داری (Sig)
سبک فرزندپروری مقتدرانه	۰/۵۶	۰/۱۶	۰/۲۹	۳/۵۲	۰/۰۰۰
سبک فرزندپروری مستبدانه	-۰/۳۶	۰/۱۲	-۰/۲۴	-۲/۸۵	۰/۰۰۵
سبک فرزندپروری سهل گیر	-۰/۱۸	۰/۱۴	-۰/۱۰	-۱/۲۵	۰/۲۱
سبک فرزندپروری بی اعتنا	-۰/۶۰	۰/۲۸	-۰/۱۸	-۲/۱۱	۰/۰۳
سبک هویتی هنجاری	۱/۳۰	۰/۳۸	۰/۳۲	۳/۳۷	۰/۰۰۱
سبک هویتی اطلاعاتی	۱/۱۸	۰/۲۹	۰/۳۵	۴/۰۱	۰/۰۰۱
سبک هویتی سردرگم	-۱/۵۴	۰/۳۷	-۰/۳۸	-۴/۱۸	۰/۰۰۱
سبک هویتی متعهدانه	۰/۰۵	۰/۴۴	-۰/۰۱	۰/۱۲	۰/۹۰

متغیر سبک‌های هویتی هنجاری نسبت به دیگر سبک ها پیش بین قوی تری برای نمرات رضایت زناشویی است.

#### بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر نشان داد که شیوه های فرزندپروری ادراک شده و همچنین سبک های هویت توانایی پیش بینی رضایت زناشویی را دارند بدین صورت که:

اولاً: شیوه های فرزندپروری ادراک شده توانایی پیش بینی رضایت زناشویی را دارند. تحلیل آماری داده ها مشخص کرد سه متغیر سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و بی اعتنا معنی دار است که با توجه به ضرایب استاندارد شده، سبک فرزندپروری مقتدرانه، به شکل مستقیم و سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و بی توجه به شکل معکوس پیش بین نمرات رضایت زناشویی هستند. در این بین، متغیر سبک فرزندپروری مقتدرانه پیش بین قوی تری برای نمرات رضایت زناشویی است. به طور کلی یافته ها به شرح زیر قابل تبیین هستند.

شیوه فرزندپروری مقتدرانه با تقاضا و پاسخ دهی بالای والدین مشخص می گردد (بامریند، ۱۹۹۱). والدینی که شیوه آمرانه دارند از نظر عامل های تقاضا، سلطه جویی یا مستبد بودن و کنترل خیلی بالا و از نظر عامل پاسخ دهی پایین ارزیابی می شوند (ماندارا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). کاوامورا<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۲) در نتایج مطالعه خود دریافتند که ادراک

حال به بررسی میزان پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس شیوه های فرزندپروری سبک های هویت پرداخته می شود. بر اساس نتایج جداول ۲ و ۳ مقدار F معنی دار است. بنابراین متغیرهای پیش بین توانسته اند پیش بینی معناداری از متغیر ملاک به دست دهند. ضریب تبیین مدل نیز نشان می دهد که متغیرهای شیوه های فرزندپروری توانسته اند ۲۶ درصد از تغییرات رضایت زناشویی را تبیین کنند و متغیرهای سبک های هویت توانسته اند ۳۴ درصد از تغییرات رضایت زناشویی را پیش بینی کنند.

بر اساس نتایج جدول ۴، از میان شیوه های فرزندپروری، سه متغیر سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و بی توجه و از میان سبک های هویت، سه سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم معنی دار است که با توجه به ضرایب استاندارد شده، سبک فرزندپروری مقتدرانه، به شکل مستقیم و سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و بی توجه به شکل معکوس پیش بین نمرات رضایت زناشویی هستند. در این بین، متغیر سبک فرزندپروری مقتدرانه نسبت به سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و بی توجه پیش بین قوی تری برای نمرات رضایت زناشویی است. همچنین سبک‌های هویتی هنجاری، اطلاعاتی و تعهد، به شکل مستقیم و سبک هویتی سردرگم به شکل معکوس پیش بین نمرات رضایت زناشویی هستند. در این بین،

<sup>2</sup>. Kawamura

<sup>1</sup>. Mandara

را به نمایش گذارند، که نتیجه این فرایند باعث می گردد که آنان رضایت زناشویی کمتری را گزارش نمایند. پیشینه پژوهشی در رابطه با شیوه فرزندپروری بی توجه نشان داده که این شیوه فرزندپروری رفتارهای ضداجتماعی همبسته است. در حالی که در این پژوهش ارتباط معناداری بین این شیوه فرزندپروری و رضایت زناشویی مشاهده نشد. تبیین احتمالی این عدم ارتباط می تواند به این نکته برگردد که این افراد در برابر الزامات اجتماعی، کاری و زناشویی خود، از فرایندهای شناختی حاکم در این شیوه فرزندپروری فاصله گرفته و خود را با واقعیات اجتماعی و تعاملی نظیر ارتباطات زناشویی سازگار نموده اند.

ثانیا: سبک های هویتی توانایی پیش بینی رضایت زناشویی را دارند. تحلیل آماری داده ها مشخص کرد سه متغیر سبک های هویتی هنجاری، اطلاعاتی و سردرگم معنی دار است که با توجه به ضرایب استاندارد شده، سبک های هویت هنجاری، اطلاعاتی و تعهد، به شکل مستقیم و سبک هویتی سردرگم به شکل معکوس پیش بین نمرات رضایت زناشویی هستند. در این بین، متغیر سبک های هویتی هنجاری پیش بین قوی تری برای نمرات رضایت زناشویی است. به طور کلی یافته ها به شرح زیر قابل تبیین هستند.

نتایج پژوهش ولوراس و بوسما<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) نشان داد که اجتناب از مواجهه با موضوعات مربوط به هویت با بهزیستی روان شناختی و رضایت از زندگی رابطه منفی دارد. سبک اطلاعاتی با حل مساله مشکل محور (برزونسکی، ۱۹۹۲؛ سوننز، دوریز و گوسنز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵)، انگیزه شناختی (برزونسکی، ۱۹۹۰) و بازبودن نسبت به سایر ایده ها (دوریز، سوننز و بایرز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴) ارتباط دارد. رویکرد اطلاعاتی با مقابله موفقیت آمیز با استرس و اضطراب، مقابله مسئله مدار و گشودگی رابطه مثبت، و با جهت دهی توسط دیگران، اثرات ناتوان کننده اضطراب،

داشتن والدین آمرانه و خشن با سطح بالای نگرانی درمورد اشتباهات و تردید درمورد اعمال که هر دو مولفه های کمال گرایی سازش نایافته اند، رابطه داشت. والدین سهل گیر در عامل تقاضا پایین و در عامل پاسخ دهی بالا هستند (بامریند، ۱۹۸۹، به نقل از ماندارا، ۲۰۰۳). فرزندپروری بی اعتنا با تقاضاها و پاسخ دهی کم والدین مشخص می شود. این والدین کنترل و نظارتی بر فعالیت های فرزندان شان ندارند و گرمی و صمیمیت در این خانواده ها بسیار کم است (مکوبی و مارتین، ۱۹۸۳). بنابراین در شیوه فرزندپروری مقتدرانه چندین ویژگی وجود دارد که در آینده راهگشای تعاملات سازنده فرزندان می باشد. یکی از آنها که بسیار مهم جلوه می کند، برخورد منطقی و مباحثه محور والدین با فرزندان است. طبیعی است که وقتی والدین بدین شیوه با فرزندان خود تعامل نمایند، بذریه صفات در فرزندان خود کاشته و آنها در بزرگسالی و پس از ازدواج در تعاملات خود با همسر، همین شیوه را در پی گرفته و بدین وسیله از میزان مشاجرات آنها کاسته شده و آنها در نهایت میزان رضایت زناشویی بالاتری را تجربه می کنند. از طرفی با کمی دقت در ویژگی های فرزند پروری مستبدانه مشخص می شود که این شیوه بر خلاف شیوه فرزندپروری مقتدرانه اهمیتی به منطقی و نظر دیگران نمی دهد. لذا این فرزندان نیز به یادگیری این شیوه مبادرت و در هنگام ازدواج، وقتی مبحثی چالشی بین زوجین ایجاد می شود، وی تلاش می نماید که به صورت زورگویانه حرف خود را به کرسی بنشاند. این فرایند به تدریج سبب می شود که همسر وی خود را از چرخه تعاملات زناشویی مطرود دیده و میزان رضایت کمتری را نیز گزارش نماید. و اما در شیوه ی فرزندپروری سهل گیر عدم دریافت توجه و محبت کافی در کنار عدم کنترل سبب می شود که این افراد با کمبود هیجان و احساسات کافی رشد کرده و ممکن است در روابط زناشویی نیز رفتارهای هیجانی و احساسی باثباتی

3. Beyers

1. Vleioras & Bosma

2. Soenens, Duriez, Goossens

تفکر آرزومندانه و فاصله گیری عاطفی رابطهمنفی نشان می دهد(نورمی و همکاران، ۱۹۹۷، بروزنسکی، ۱۹۹۰، ۲۰۰۳).

افراد دارای سبک هویت هنجاری به شکل کاملاً خودکار، معیارها و انتظارات فرد مهم را درون سازی می کنند و خود را با آن تطبیق می دهند(هیگنز، نقل از بروزنسکی، ۲۰۰۸). افراد دارای این سبک به شکل منفی یا گشودگی نسبت به ارزش ها و فعالیت جایگزین همبسته هست، اما به شکل مثبت به نیاز به بسته بودن شناختی همراه است(دوریز و سونز و بیرز، ۲۰۰۴). سبک هنجاری به طور منفی با باز بودن نسبت به سایر ارزش ها و فعالیت ها و به طور مثبت با نیاز به نزدیکی شناختی مرتبط است(سونز، دوریز و گوسنز، ۲۰۰۵).

سبک اجتنابی با مقابله اجتنابی هیجان مدار و استراتژی های تصمیم گیری ناهنجار از جمله طرد، اجتناب، بهانه تراشی و عقلانی سازی پس از تصمیم گیری ارتباط دارد(برزونسکی، ۱۹۹۲). جهت گیری سردرگم با کیفیت روابط همسالان، پیشرفت تحصیلی و عزت نفس رابطه منفی و با اثرات ناتوان کننده اضطراب، فاصله گیری عاطفی، جهت دهی توسط دیگران، راهبردهای تصمیم گیری غیر انطباقی، مشکلات سوء مصرف مواد و الکل، روان رنجورخویی، واکنش های افسرده گون و اختلالات خوردن و سلوک رابطه مثبت نشان می دهد(برزونسکی، ۲۰۰۳). سبک هویتی سردرگم - اجتنابی با تعلل ورزی و تلاش جهت طفره رفتن از تعارض های هویتی و موقعیت های تصمیم گیری تا حدی که امکان داشته باشد، همراه است(برزونسکی، ۲۰۰۴).

به نظر می رسد که سبک هویت سردرگم / اجتنابی با راهبردهای مقابله ای هیجان مدار، انتظارات کنترل بیرونی، راهبردهای تصمیم گیری غیرانطباقی، تغییرپذیری مقطعی، روان رنجورجویی و واکنش های افسرده گون رابطه مثبت و با آگاهی از خود، مقاومت شناختی، وظیفه شناسی و

شاخص های بهزیستی رابطه منفی نشان می دهد(برزونسکی، ۱۹۹۰، بروزنسکی و فراری<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶؛ نورمی<sup>۲</sup>، بروزنسکی، تامی<sup>۳</sup> و کینی<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷).

بریکمن(۱۹۸۷، به نقل از بروزنسکی، ۲۰۰۳) خاطرنشان ساخته است، تعهد، رفتار فرد را در موقعیت هایی که وسوسه می شود به شکل دیگری رفتار کند، ثبات می بخشد. تعهدات برای افراد احساس هدفمندی و جهت گیری به همراه دارد. مطالعات نشان داده اند که قدرت تعهد با تصمیم گیری سنجیده و حساب شده و مقابله مساله مدار رابطه مثبت و با اهمال کاری، دلیل تراشی، جهت گیری مبتنی بر دیگری، تمایل به تجربه وحشت قبل از تصمیم و کم رویی کلی رابطه منفی دارد (برزونسکی، ۱۹۹۰، ۱۹۹۲؛ بروزنسکی و فراری، ۱۹۹۶).

بنابراین افرادی که سبک پردازش آنها اطلاعات محور است، افرادی فعال، جستجوگر و ارزیاب هستند و به طور دائم در پی کسب اطلاعات مناسب جهت شکل دهی هویت خود می باشند. نتایج تحقیقات نیز نشان می دهد افرادی که دارای سبک پردازش اطلاعاتی هستند به طور عمده خوداندیش هستند، بدین معنا که به طور مستمر به بازبینی مجدد اعتقادات خود اقدام می کنند، این افراد در تصمیم گیری محتاط بوده و دارای تفکری باز، وظیفه شناس و جدی می باشند. مجموع این ویژگی ها سبب می شود که فرد رفتار اجتماعی، هنجارمندتر و قابل پذیرشی داشته باشد و پذیرش وی سبب شود که میزان مشاجره و چالش کمتری را در روابط زوجی گزارش و در نتیجه آن میزان رضایت زناشویی بالاتری را تجربه نماید. از طرفی از آن جایی که ارتباط این سبک هویت با حل مشکل محور به اثبات رسیده این افراد دارای یکی از عناصر مهم در تداوم رضایت زناشویی هستند.

مطالعات نشان می دهند که افراد هنجاری، وظیفه شناس و سازگار هستند، احساس جهت گیری آشکاری از خود نشان می دهند و احساس مثبتی از بهزیستی دارند.

<sup>3</sup>- Tammi

<sup>4</sup>- Kinney

<sup>1</sup>- Ferrari

<sup>2</sup>- Nurmi



مدارس ایلخچی. فصلنامه علوم تربیتی، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۲۱-۷.

- دانشورپور، زهره. غنایی، زیبا. شکری، امید. زین آبادی، حسن رضا. (۱۳۸۶). پیش بینی صمیمیت اجتماعی بر اساس سبک های هویت تعهد هویت و جنسیت. فصلنامه علمی پژوهشی روان شناسی دانشگاه تبریز، سال دوم، شماره ۷، صص ۵۵-۸۶.

- شکری، امید. تاجیک اسماعیلی، عزیزالله. دانشورپور، زهره. دستجردی، رضا. (۱۳۸۶). تفاوت های فردی در سبک های هویت و بهزیستی روان شناختی: نقش تعهد هویت. تازه های علوم شناختی، سال نهم، شماره ۲، صص ۳۳-۴۶.

- عابدی، احمد. مسیبی، عصمت. عریضی، حمیدرضا. (۱۳۹۱). فراتحلیل اثربخشی مداخلات روان شناختی به صورت گروهی بر میزان رضایت زناشویی. فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده، سال سوم، شماره ۲، صص ۲۳۵-۲۵۹.

- کهولت، نعیمه. جوکار، بهرام. (۱۳۸۹). رابطه سبک های هویت و شادی در دانشجویان دانشگاه. مجله روان شناسی دانشگاه تبریز، سال پنجم، شماره ۹، صص ۹۱-۱۰۳.

- گلدنبرگ، ایرنه. گلدنبرگ، هربرت. (۱۳۸۳). خانواده درمانی. ترجمه حمیدرضا حسین شاهی براوتی. سیامک نقشبندی. الهام ارجمند، تهران: انتشارات نشر روان.

- متولی، رویا. ازگلی، گیتی. بختیاری، مریم. علوی مجد، حمید. (۱۳۸۸). رضایتمندی از زندگی زناشویی و صمیمیت زوجین در زنان باردار شاغل و غیرشاغل شهر اردبیل. دوره نهم، شماره ۴، صص ۳۱۵-۳۲۴.

- وندر زندن، جیمز ویلفرید. (۱۳۸۸). روان شناسی رشد. ترجمه حمزه گنجی تهران: انتشارات ساوالان. صص ۸۸-۲۵۹.

- یعقوبخانی غیاثوندی، مرتضی. (۱۳۷۲). رابطه محیط خانواده و پیشرفت تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

- Ahmadi, K., Nabipoor, S. M., Kimiaee, S. A., & Afzali. M. H. (2010). Effect of family problem solving on marital satisfaction. *Journal of Applied Science*, 1(8):682-687.

- Babiarz, S. (2009). Relationship of teacher parenting style to instructional strategies and student achievement. Unpublished doctoral dissertation. University of southern California.

- Baumrind, D. (1991). Effective Parenting during the early adolescent transition In P. A.

مشخص است افرادی که سازگاری و وظیفه شناسی بالایی داشته باشند در مقابل افراد ناسازگار و وظیفه شناس، همسران ایده آل تری به شمار می روند این سبک نیز با ویژگی مثبت که از آن به عنوان نیاز به نزدیکی شناختی یاد می شود، می تواند در رابطه زوجین نقش سازنده ای را به عهده گیرد. چرا که وقتی فرد احساس نیاز به نزدیکی شناختی داشته باشد، همسر وی می تواند با به کارگیری فنون ارتباطی سالم این نیاز روانی را ارضا و سبب پدیدآیی روابط رضایت بخش تر گردد. در رابطه با سبک هویت سردرگم اجتنابی باید گفت رابطه منفی هویت سردرگم با ویژگی های مثبت و از طرفی رابطه مثبت این سبک هویتی با ویژگی های منفی باعث می شود که این افراد رفتارهای اثبات و به هنجار نداشته و پس از ازدواج نیز رضایت زناشویی مناسبی را گزارش نکنند. اما در رابطه با مولفه ی تعهد از آن جایی که تعهد رفتار فرد را ثبات می بخشد و قدرت تصمیم گیری را در فرد افزون می کند این ویژگی های برای انسجام زندگی زناشویی بسیار حائز اهمیت بوده و فقدان آن امکان به مخاطره انداختن رابطه ی زوجین را در پی دارد.

## منابع

- اتکینسون، ر.ال. اتکینسون، ر.سی. اسمیت، ا.ای. ب.م. د.ج. هوکسما، س.ن. (۱۳۸۸). متن کامل زمینه روانشناسی هیلگارد. ترجمه محمدنقی براهنی. بهروز بیرشک. مهرداد بیک. رضا زمانی. سعید شاملو و همکاران، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات رشد..

- آقاجانی، محمدحسن. فرزاد، ولی الله. شهرآرای، مهران. (۱۳۸۷). مقایسه سبک های هویت دانشجویان دانشگاه های دولتی شهر تهران بر اساس جنسیت، رشته تحصیلی و بومی و غیر بومی بودن. دانش و پژوهش در روان شناسی-دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان(اصفهان)، شماره ۳۸، صص ۱۴۱-۱۴۳.

- بیرامی، منصور. خسروشاهی، جعفر. (۱۳۸۹). ارتباط شیوه تربیتی والدین با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان راهنمایی

- distress. *Contemporary Family therapy*, 26,361-384.
- Coda, A.E. (2000). Risk factors in the continuation of childhood antisocial behavior into adulthood. *Journal of psychology*, 9,110-112.
  - Duriez B, Soenes B, Beyers W.(2004). Religiosity, personality, and identity styles: An integrative study among late adolescents in Flanders (Belgium). *J Pers*; 72:877-910.
  - Fletcher,G. (2002). *The new science of intimate relationship*. Oxford, Blackwell publishers LTD.
  - Glasgow ,k.L. , Darnbusch , S.M., Troyer,L., Steinberg , L. , and Ritter , P.L.(1997). Parental styles , adolescent's attributions , and educational outcomes in nine heterogeneous high schools. *Child Development*, 68, (3). 507- 529.
  - Goldstein, M. Heaven,P. (2000). Perception of the family, delinquency and emotional adjustment among youth. *Journal of personality and individual differences*, 20, 1169-1178..
  - Kevin,p. (2014). when we changes me the two-dimensional model of relational self-cheng and relationship out comes. *Jornal of social and personal relationship*.1-22.
  - Kotrla.k, Dyer.p, stelzer.k.(2010). marriage education with his-panic couples:evaluation of a communication workshop. *Family science review* 15(2). 1-14.
  - Lambourn, S. D., Mounts, N. S., Steinberg, L., & Dornbusch, S. M. (1991). Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent and neglectful families. *Child Development*, 62 , 1049-1065.
  - , E. E., & Martin, J. (1983). Socialization in the context of the family: Parent-child interaction. In E. M. Hetherington (Ed.), *Mussen manual of child psychology* (4th ed., Vol. 4, pp. 1-101). New York: Wiley.
  - Mandara, J. (2003). *The typological approach in child and family psychology: A review of theory, methods, and research*. Cowan & E. M. Hetherington (Eds.), *Familytransitions* (Vol. 2, PP. 111-163). Millsdale NJ: Erlbaum.
  - Berzonsky MD.(1990). Self-construction over the life-span: A process perspective on identityformation. *Adv in PersConst Psychol*; 1:155-86.
  - Berzonsky MD.(1992). *Identity style inventory (ISI3): Revised version*. Cortland: State University of New York. New York.
  - Berzonsky, M.D. Macek,P. Nurmi, J.E. (2003). Interrelationships among identity process, content, and structure: A cross-cultural investigation. *Journal of Adolescent Research*, 18,112-130.
  - Berzonsky,M. (2004). Identity processing style, self-construction and personal epistemic assumption. A social-cognitive perspective. *Journal of Development psychological*, 4, 303-315.
  - Berzonsky, M. D. (2008). Identity formation: The role of identity processing style and cognitive processes. *Personality and Individual Differences*, 44, 645–655.
  - Berzonsky,M.D. Ferrari.J.R. (2009). A diffuse avoidant identity processing style: Strategic avoidance or self confusion? *Identity: An international journal of theory and research*, 9, 145-158.
  - Berzonsky,M.D. Ciecuch, J. Duriez,B. Soenens, B. (2011). The how and what of identity formation: Association between identity styles and value orientation. *Personality and Individual Differences*, 50,295-299.
  - Bruke.m.(2005). *Familial influence on self-efficacy, Exploring the relationship between perceived parenting style*. Current social support and self-efficacy in a sample of non-traditional college students. Dissertation presented in partial fulfillment of the requirement for the degree. Doctor of philosophy. Faculty of psychology. Capella university.
  - Byren,M. Carr,A. Clark,M. (2004). The efficacy of behavioral couples therapy and emotionally focused therapy for couple

correlates in late adolescence J Adoles. 28:107-25.

Clinical Child and Family Psychology Review, 6, 129-146.

- Nurmi, J.-E., Berzonsky, M. D., Tammi, K., & Kinney, A. (1997). Identity processing orientation, cognitive and behavioral strategies and well-being. *International Journal of Behavioral Development*, 21, 555-570.

- Olson, D.H. & Olson, J.A. (2000). Empowering couples: prepare enrich program. *Marriage and family: A journal of the American Family Therapy Association* 3. 69-81.

- Onder, A. & Gulay, H. (2009). Reliability and validity of parenting styles & dimensions questionnaire. *Procedia social and behavioral sciences* 1.508-514.

- Schwartz, S.J., Mullis, R.L., Waterman, A., Dunham, M. (2000). Ego identity status, identity style, and personal expressiveness: an empirical investigation of three convergent constructs. *Journal of adolescent research*, 15(4), 504-521.

- Schultheiss, D.P., Blustein, D.L. (1994). Contributions of family relationship factors to the identity formation process. *Journal of counseling and Development*, 73, 159-166.

- Soenens, B., Duriez, B., Goossens, L. (2005). Social psychological profiles of identity styles: Attitudinal and social-cognitive correlates in late adolescence. *J Adoles.*; 28:107-25.

- Virgil, L. (2014). Passion for life-expansion and passionate love across the life span. *Journal of social and personal relationships*. 31 (7) 958-974.

- Vleioras, G., Bosma, H. (2005). Are identity styles important for psychological well-being?. *Journal of Adolescence*. 28, 397-409.

- Vleioras, G., Bosma, H. (2005). Are identity styles important for psychological well-being?. *Journal of Adolescence*. 28, 397-409.

- Kawamura, K. Y., Frost, R. O., & Hartz, M. G. (2002). The relationship of perceived parenting styles to perfectionism. *Personality and Individual Differences*, 32, 317-327.

- Soenens, B., Duriez, B., Goossens, L. (2005). Social psychological profiles of identity styles: Attitudinal and social-cognitive



## Predict marital satisfaction based on perceived parenting styles and identity styles

Mina Amininejad<sup>1\*</sup>, Mahdi Shahnazarie<sup>2</sup>

- 1) MSc of General Psychology, Science and research of Pardis, Tehran, Shahr-e-Qods, Iran.
- 2) Assistance Professor of Psychology, Islamic Azad University Karaj, Karaj, Iran.

\*Corresponding author: [amini.mina1991@gmail.com](mailto:amini.mina1991@gmail.com)

---

### Abstract

This study aims to predict marital satisfaction based on perceived parenting styles and identity styles among male workers of Isfahan Steel Plant. The study population is all male workers of Isfahan Steel Plant and sample size was determined based on the Krsjy and Morgan that was 240 persons, The number of samples were selected randomly .To collect the data , Enrich marital satisfaction To collect the data, Enrich marital satisfaction questionnaire, Schiffer perceived parenting styles and Berzonsky styles Identity was used. The results showed that marital satisfaction is significantly correlated with authoritarian parenting styles positively and had a significant negative relationship with autocratic unresponsive parenting styles negatively. Permissive parenting style also doesn't have a significant relationship with marital satisfaction. The findings also showed that marital satisfaction significantly had a positive relationship with normative identity style, informational identity style and commitment and had a negative and significant relationship with disoriented identity style.

**Key words:** Marital satisfaction, Identity styles, Perceived parenting style.

---